

انسان از درآمد چه می خواهد؟

تاملی در مبانی نظری و تاریخی درآمد

گفتگو با دکتر عادل پیغمبی

طی شماره‌های گذشته از زاویه‌های مختلفی به درآمد پرداختیم. تلاش می‌کنیم تا در هر شماره یکی از ابعاد درآمد را مورد دقت قرار دهیم، هم از منظر فردی و کارپردی و هم از منظر اجتماعی و فلسفی این موضوع مهم را بررسی می‌کنیم تا بتوانیم در نهایت این ابعاد را در کنار هم قرار دهیم و به تحلیل درستی از درآمد از منظر سبک زندگی دست یابیم. در این شماره درآمد را از منظر انسان‌شناختی و تاریخی در گفت‌وگو با دکتر عادل پیغمبی به بحث گذاشته‌ایم.

چنانچه از این منظر، انسان حق هرگونه تصرفی در اموال خود و حتی در جسم خود را ندارد. مثلاً ضرر زدن به بدن خود، حقی نیست که انسان به واسطه‌ی مالک بودن داشته باشد. و یا هدر دادن اموال و امکانات، تصرفی نیست که انسان به حکم مالکیت، حق آنرا داشته باشد. حس استخدام به صورت واضح دارای قیودی است. می‌دانیم که در دوره جدید حس استخدام به صورتی درآمدی است که آن چه مورد استخدام قرار می‌گیرد به صورت ماده‌ی خامی است که تنها شان آن مستخدم بودن است. حال آن‌که بر مبنای فلسفی خاصی، استخدام نباید خلاف اقتضای ماهیت استخدام شونده باشد و مستخدم باید ضمن حفظ شان اصلی خود در نظام هستی به استخدام درآید. مبنای فلسفی این نگاه، قائل شدن به شانی خاص برای همه موجودات هستی است. یعنی یک درخت، صرفاً منبعی برای تأمین نیاز ما نیست. بلکه برای خود، دارای شان و منزلتی در نظام هستی است و بنابراین هر تصرفی در آن درست نیست. برخی تصرفات ممکن است با ذات طبیعت در تعارض باشد. روشن است که این سخن بر مبنایی است که برای طبیعت ذاتی قائل باشیم. بخشی از این سخن مورد قبول همه است؛ مثلاً این که یک انسان را برای هر امری نمی‌توان استخدام کرد. برخی از حالات متصور استخدام، خلاف مقتضای انسانیت انسان است. البته با نغی هر شایستی از انسان، غیر از منبع بودن؛ و به تعبیر دیگر با تبدیل شدن انسان‌های جامعه به «منابع انسانی»، بطبع چنین سخنی نیز چندان مقبول نخواهد بود. برای همین در جهان امروز سخن از صنعت

؟ هر پدیده‌ای در جهان دارای مبانی فلسفی خاصی است. در مورد مبانی انسان‌شناختی درآمد چه می‌توان گفت؟ انسان برای ادامه زندگی به صورت طبیعی «نیاز»هایی از جنس خوراک، پوشاک، مسکن و ... دارد. بنابر این برای رفع آن‌ها به کسب امکانات مادی می‌پردازد. از طرف دیگر صرف رفع نیاز مادی از هر طریق برای انسان مطلوب نیست. انسان یک حس طبیعی دارد که می‌پسندد امکاناتی مختص خود داشته باشد، و به نحو دلخواه در آن تصرف کند و دیگری حق تصرف در آن را نداشته باشد. حسی که به عنوان «حق اختصاص و پایه مساله مالکیت» شناخته شده است. در کنار این دو، بشر خصوصیت دیگری دارد که به صورت طبیعی از دیگر پدیده‌های اطراف خود برای دست‌یابی به مقصود استفاده می‌کند. خصوصیتی که به عنوان «حس استخدام» از آن یاد می‌شود. که استخدام امکانات موجود در طبیعت، ابزارسازی و به‌کارگیری آن و نیز استفاده از سایر انسان‌ها را شامل می‌شود. این از ویژگی‌های عام بشر است که از ابتدای حیات انسان روی کره زمین جاری بوده است. این سه پایه‌ی گفته شده را می‌توان پایه‌های اصلی انسان‌شناختی موضوع درآمد دانست.

حال اگر در مورد هر یک از این مبانی ملاحظه‌ای داشته باشیم قابل بحث در مورد درآمد هم هست. به عنوان نمونه وقتی بر مبنای معارف دینی مالکیت انسان یک مالکیت فرعی و تبعی در پرتو مالکیت الهی است. بنابراین مالکیت انسان و حق تصرف او در آنچه مالک آن‌هاست مطلق نخواهد بود و قیودی برمی‌دارد.

سایر کالاها برای انتقال زمانی محدودیت‌هایی داشتند. اما پول هیچ محدودیتی نداشت.

از جمله تأثیرات جامعه شناختی پول، تغییر کردن صاحب‌کار یا رئیس در روابط اقتصادی بود. رئیس یا محور در رابطه اقتصادی کسی است که اولاً به نان شب خود محتاج نیست و می‌تواند تا هنگام نتیجه دادن فعالیت اقتصادی (سرخرمن) صبر کند. خصوصیت دیگر که هم‌پیوند با این خصوصیت است، آن است که می‌تواند تحمل سود و زیان داشته باشد و از همین رو ریسک هم می‌کند. در کنار آن، معمولاً لازم نیست که کار هم بکند. چون دارایی او غیر از کار است. البته منافاتی با کار کردن او ندارد، اما کار کردن او می‌تواند در رابطه اقتصادی جدید و متمایزی مورد ملاحظه باشد. در مقابل، کسی که دارایی او کار است، دارای این خصوصیت است که نمی‌تواند تا سرخرمن صبر کند. او به نان شبش محتاج است و باید عصر یا سر ماه، حقوقش را دریافت کند تا بتواند مایحتاج خود را فراهم کند. کار قابل ذخیره و پس‌انداز نیست؛ بنابراین او نمی‌تواند پس‌انداز کند و نیز نمی‌تواند صبر کند. از این رو، وی قادر به تحمل سود و زیان نیست و ریسک‌گریز است.

حالا با این توضیح، وقتی روابط اقتصادی را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که تا قبل از اینکه پول نقش جامعه‌شناختی خاص خود را به شکل امروزی ایفا کند، کسی که محور رابطه اقتصادی است و به تعبیر ساده رئیس است صاحب‌بذر است که در عمل معمولاً همان صاحب زمین نیز است. بنابراین فئودالیسم پدید می‌آید. اوست که می‌تواند صبر کند و زیان احتمالی را متحمل شود و بنابراین سود اصلی نصیب او می‌شود. اما کسی که استخدام (اجیر) می‌شود تا در قبال کار خود مزدی دریافت کند، در سود شریک نخواهد بود. جالب توجه است که در اسلام اجیر شدن امری مکروه است و توصیه این است که فرد علاوه بر کار، در فعالیت اقتصادی شریک شود و در سود و زیان نهایی سهم داشته باشد. همچنین وارد نشدن در فعالیت اقتصادی به جهت ترس از زیان مورد نگرش قرار گرفته است. اضافه نمایم به این دو که اسلام تأکیدات فراوانی بر ضمانت شده بودن روزی از طرف خدا نموده است.

اما با ظهور پول، رئیس، صاحب سرمایه مالی است. او می‌تواند صبر کند و زیان را تحمل نماید و ریسک کند. و برای همین، اوست که سود اصلی فعالیت اقتصادی نصیبش می‌شود. در گذشته البته کسی که صاحب ابزار بود نیز یکی از عوامل فعالیت اقتصادی محسوب می‌شد و با اجازه دادن ابزار کار، درآمد کسب می‌کرد. دو نهاد قدرت و دین نیز عوامل مهمی هستند که اکنون بحث ما در مورد آنها نیست.

۴ آیا نمونه‌های دیگری از راه‌های کسب درآمد در طول تاریخ تجربه شده است؟

تکنولوژی‌های اجتماعی لزوماً تکنولوژی‌های مثبتی نیستند. مثلاً یکی از آن‌ها رانت است. رانت یعنی هرگونه کسب درآمد بدون استحقاق و تلاش. در تاریخ اروپا گروه‌هایی وجود داشتند که به نتیجه رسیده بودند به جای زحمت و کار بهتر است از زحمت کار دیگران بهره‌برند. برای همین در فصل برداشت محصول به دیگران حمله می‌کردند و با غارت زندگی می‌گذراندند. نوع جدید آن، استفاده از ترجیحات بین زمانی است که در شکل منفی آن به صورت ربا جریان داشته و دارد. ■

سکس امری نامانوس نیست.

خلاصه آن‌که این خصوصیات در انسان، وی را به سمت کسب دارایی سوق می‌دهد و به نوعی او را ناگزیر به کسب می‌کند. حال این کسب را می‌توان کسب درآمد نامید.

۴ علاوه بر تأمین نیاز مادی، آیا مالکیت به خودی خود برای انسان دارای اهمیت است؟ این اهمیت از چه جهاتی است؟

همان‌طور که گفتیم، انسان به صورت طبیعی تمایل دارد که امور و امکاناتی را مخصوص به خود داشته باشد. صرف تأمین خوراک، پوشاک، مسکن و این دست نیازها برای انسان کافی نیست؛ بلکه مالک بودن به خودی خود امری است که مطلوب انسان است. بشر با مالکیت، بخشی از هویت درونی خود را کسب می‌کند. هم‌چنین از نظر اجتماعی مالکیت هویت‌ساز است. انسان با حد معقولی از دارایی که مالک آن باشد عزت اجتماعی می‌یابد. البته این امر نیز مانند سایر امور انسانی مبتلا به افراط و تفریط و انحراف می‌شود. از پیوند این حس با حس کمال‌جویی پدیده‌ای به نام حرص و آز ظهور می‌کند. و بشر به سمت افزایش داشته‌های خود، صرفاً با هدف تکاثر می‌رود. هم‌چنین تفاخر به اموال و دارایی‌ها و فخرفروشی به دیگران در اثر انحراف این خصوصیت طبیعی انسان است که ظهور می‌کند. به هر حال مالکیت به خودی خود برای انسان مطلوبیت دارد و از همین روست که مارکسیسم و سوسیالیسم افراطی با شکست مواجه می‌شود.

۴ به لحاظ تاریخی بشر چه سیری را در کسب درآمد طی کرده است؟

بشر ابتدا با توجه به همین خصوصیتی که ذکر شد، درآمدی به شکل استفاده از امکانات آماده در طبیعت داشت. از گیاهان موجود در طبیعت و حیوانات آزاد بهره می‌گرفت. به عبارتی صرفاً حیات برای مصرف می‌کرد. در این مرحله چیزی به اسم تولید از سوی انسان معنا نداشت. رفته رفته بعد از شکار، به دامداری و کشاورزی پرداخت و سیری را که کم و بیش همه شنیده‌اند طی کرد. اما در این میان برخی امور بیشتر قابل توجه‌اند. بشر در سیر خود و به خصوص در روابط اجتماعی خود در زمینه مسائل اقتصادی به دستاوردهایی رسید که از آنها با عنوان تکنولوژی‌های اجتماعی یاد می‌شود. نخستین تکنولوژی اجتماعی مبادله بود. مبادله ابتدا بین دو نفر بود؛ بلکه بین یک شخص نسبت به زمان بود. یعنی مصرف اکنون را با مصرف در آینده مبادله می‌کرد که به آن پس‌انداز می‌گوییم. اما مبادله بین افراد از جمله تکنولوژی‌های اجتماعی بسیار مهم است که به اشکال مختلف جریان داشته است. مبادله در ابتدایی‌ترین سطح آن به صورت غصب و چپاول و یا بصورت تهاوت بوده است. اما شکل ارتقاء یافته آن با ظهور پول شروع شد. مبادله با پول از تحولات بسیار بسیار اساسی است که معاملات را تغییر می‌دهد. پول خصوصیات ویژه‌ای دارد. این امکان را فراهم می‌آورد که در مبادلات امکان انتقال زمانی و مکانی داشته باشیم. چیزی که قبلاً تقریباً ممکن نبود. چرا که یک کالای بادوام معتبر و مقبول همگان است. نمک هم به عنوان نسل اولیه پول این خصوصیت را تا حدی داشت. اما مسکوکات و بعد انواع مدل‌های مختلف پول با درجه بسیار بالاتری دارای این خصوصیت هستند. با ظهور پول، مساله ترجیحات بین زمانی دچار تحول شد. چرا که

دو نگاه

رئیس یا صاحب‌کار در رابطه اقتصادی کسی است که به نان شب خود محتاج نیست و می‌تواند تا هنگام نتیجه دادن فعالیت اقتصادی صبر کند. خصوصیت دیگر، که هم پیوند با این خصوصیت است آن است که می‌تواند تحمل سود و زیان داشته باشد